

خطوط لوله نفت و گاز از طریق دریای خزر

نرسی قربان^۱

اگر نفت از طریق دریای عمان و خلیج فارس صادر شود به مراتب از لحاظ اقتصادی صرف بیشتری دارد. چه اینکه بخواهند خطوط را احداث نمایند. همچنین اخیراً مطالعاتی به طور عملی در جریان است که این خطوط را بتوانند احداث کنند. کشورهای حوزه دریای خزر بدون شک بهای بسیار سنگینی را می پردازند. بخاطر اینکه آمریکا بیشتر در صدد این است که از مشارکت و همکاری ایران جلوگیری به عمل آورد مبادلات گازی بین ایران، ترکمنستان و قزاقستان سودمند خواهد بود. حتی اگر محافظه کارانه هم بخواهیم تخمین بزنیم تقاضای گاز در منطقه پاکستان و هندوستان بین ۴۰ تا ۷۰ میلیون مترمکعب در سال ۲۰۱۰ خواهد بود. این تقاضا نشان می دهد که هرچه به سمت جلو برویم تقاضا بیشتر می شود.

تحولات سیاسی در اتحاد جماهیر شوروی سابق نقشه اروپا و آسیا را تغییر داد. جمهوری های تازه به استقلال رسیده یعنی آذربایجان، قزاقستان، ترکمنستان که از جهت منابع غنی هستند در غرب و آسیای میانه شکل گرفتند. این تغییرات سیاسی راههای جدیدی را برای تغییر و تحولات نفتی از منابع بسیار غنی در دریای خزر شکل داد. اگرچه مذاکراتی در ارتباط با موقعیت حقوقی دریای خزر بین دولتهای درگیر هنوز در جریان است؛ اما کمپانی های نفتی بین المللی علاقه بسیار زیادی در ارتباط با مسائل گازی و نفتی در این منطقه در طول شش سال گذشته نشان دادند. واضح است که صدور نفت و گاز از این منطقه نیازمند به مشارکت و همکاری بین دول مواجه با این مسئله است و همچنین نیازمند به بنیانگذاری یا

۱. دکتر نرسی قربان رئیس انجمن اقتصاددانان انرژی است. این مقاله توسط خانم وجیهه صادقیان خوری از انگلیسی به فارسی ترجمه شده است.

تأسیس خطوط انتقال نفت و گاز در این منطقه می‌باشد. فرهنگ ایرانی که مرتبط با مردم آسیای مرکزی و سابقه این پیوند به قرن‌ها پیش برمی‌گردد؛ زمانی که ایشان هنوز از آسیای مرکزی منفک نشده بودند و جزو ایران سابق بودند نقش مهمی در آینده تغییر و تحولات منطقه بازی می‌نماید. به لحاظ جغرافیایی ایران نقش بسیار مهمی را در ارتباط با این کشورها با جهان خارج دارد. اگرچه نبرد برای نفوذ سیاسی در صحنه رقابت این منطقه و همچنین خطوط نفتی منطقه به وسیله دول درگیر نقش مهمی را ایفا می‌کند.

روسیه در صدد آن است که کنترل سنتی خود را بر کشورهای آسیای مرکزی حفظ کند و دولت‌های تازه به استقلال رسیده به وسیله به انحصار درآوردن تمام منابع صادراتی در این مناطق به استقلال واقعی دست یابند. از طرف دیگر ایالات متحده که یک بازیگر جدید در این منطقه است از صدور نفت و گاز کشورهای آسیای مرکزی حمایت می‌کند و بی‌میل هم نیست که نفت و گاز از خطوط سرزمین ایران عبور کند. گرچه کشورهای آسیای مرکزی به لحاظ مسائلی از جهات هم اقتصاد و تکنیکها اختلافاتی هم با ایران دارند در صدد اثبات استقلال خویشند. در جایی که سیاست نقش بسیار مهمی را در عوامل تصمیم‌گیرنده در تعاقب بسیاری از چالشها یا مسائل در منطقه دارد نباید سرپوش گذاشت که در حال حاضر عوامل اقتصادی نقش بسیار عظیمی را در مناقشات و رقابتهای منطقه دارند. در این مقاله سعی بر آن است که توجهات را معطوف به این حقیقت کرد که بیشتر منافع قانونی اقتصادی برای صادرات نفت و گاز از طریق دریای خزر متعلق به ایران است و باید از طریق ایران باشد. آنجایی که از دیرباز از لحاظ سیاسی ایالات متحده نسبت به ایران یک نوع خصومت یا واکنشی داشته است ولی سعی بر این دارد که این منبع مهم اقتصادی را که ایران می‌تواند از آن بهره‌مند شود بلوکه کند و صادرات نفت و گاز از طریق آذربایجان و قزاقستان و ترکمنستان بجای ایران صورت بگیرد. این مسئله سبب محرومیت دولتها از بالا بردن درآمدهای گازی و نفتی می‌شود و با اصول بازار آزاد منافات دارد که به وسیله ایالات متحده اعمال می‌شود. به‌سادگی نباید از برخورداری بالقوه از طریق همکاری بین تولیدکنندگان نفت و گاز و همچنین مصرف‌کنندگان منطقه گذشت. اعمال طرحهای تجاری نفتی و گازی بین‌المللی منطقه می‌تواند در سطح منطقه و همچنین در سطح جهانی سبب همگون شدن شرایط اقتصادی و

وحدت اقتصادی و همچنین باعث ایجاد ثبات سیاسی در این بخش از جهان شود. در این راستا نفت و گاز و همکاری نفتی ایران و ترکمنستان و قزاقستان در پیشبرد یک شبکه منطقه‌ای برای صادرات نفت و همچنین در بازارهای بالقوه نفت و گاز می‌تواند قابل توجه باشد و مطلوب هم بنماید. نظرات ابراز شده در این مقاله صرفاً نظرات نویسنده است و الزاماً نظرات نهادی از جمهوری اسلامی نمی‌باشد.

مبادله نفتی ایران به عنوان یکی از تولیدکنندگان بزرگ و همچنین مصرف‌کنندگان بزرگ انرژی در منطقه است. تولید ایران در حدود پنج میلیون بشکه در روز است و ایران در حدود ۱/۶ میلیون بشکه نفت در روز مصرف انرژی نفت دارد. بیشتر تولیدات نفتی و گازی ایران در منطقه جنوب ایران تولید می‌شود؛ در حالی که بیشتر مصرف انرژی نفتی ایران در منطقه شمالی و مرکزی ایران است. در حدود ۱/۳ میلیون بشکه نفت در روز در شمال ایران به تصفیه‌خانه‌های اصفهان، تهران و اراک و تبریز پمپاژ می‌شود. در حدود چهار میلیون مترمکعب گاز سالانه مصرف می‌شود که این مقدار هم پمپاژ می‌شود؛ یعنی از جنوب ایران به شمال ایران پمپاژ می‌شود. امتیازاتی که ایران می‌تواند از طریق دریای خزر بهره‌مند بشود به وسیله کمپانی‌های نفتی جهانی بخوبی شناخته شده است و اگر سیاستهای تحریمی اعمال شده توسط آمریکا وجود نداشت بسیاری از نفت منطقه دریای خزر از طریق ایران صادر می‌شد. بیشترین امتیاز اقتصادی که صادرات نفت از طریق ایران دارد، یکی به علت نزدیکی جغرافیایی ایران به منطقه دریای خزر است همچنین تقاضای نفتی ایران بسیار زیاد است و ایران ذخیره بسیار زیادی از نفت خام در اختیار دارد و همچنین از لحاظ خطوط نفتی و گاز لوله‌های زیادی در ایران موجود است. به لحاظ جغرافیایی ایران موقعیت کم‌نظیری در منطقه دارد. ایران در حدود ۱۵۰۰ کیلومتر مرز مشترک با ترکمنستان در منطقه شمالی دارد. در منطقه غربی با آذربایجان و ارمنستان و نخجوان و ترکیه هم‌مرز است. شبکه خطوط نفت و گاز ایران در حدود ۲۰۰۰ کیلومتر با کشورهای فوق‌الذکر مرز مشترک دارد. تقاضا برای محصولات نفتی، تولیدات نفتی، در شمال ایران بسیار است. یعنی نصف مصرف نفت کشور در منطقه شمالی در جایی که اصولاً پنجاه میلیون سکنه دارد و بیشتر هم فصول زمستان شمال ایران سرد می‌باشد. اگر شکل و روند مصرف به همین شکل پیش برود ایران باید تصفیه‌خانه‌های

جدیدی در منطقه شمالی بسازد. تصفیه‌خانه‌های تهران و تبریز از لحاظ منطقه‌ای اهمیت دارد چرا که در مناطق مرکزی و شمالی ایران قرار دارند. ایده مبادله نفتی براساس به‌کارگیری نفت خام از ترکمنستان و قزاقستان و آذربایجان برای مصرف تصفیه‌خانه‌های تهران و تبریز است و در مقابل ایران نفت خام عرضه می‌کند و از طریق خلیج فارس برای صادرات به آن کشورها اقدام می‌نماید. قرارداد مبادله نفتی سریع‌ترین و ارزانترین راه‌حل برای مشکلات صادراتی در این منطقه است. نفت خام کشورهای ترکمنستان، قزاقستان و آذربایجان می‌تواند در بنادر انزلی و نکا خالی بشود و به تصفیه‌خانه‌های ایران حمل بشود. این پروژه در چه مرحله‌ای می‌تواند اجرا بشود:

۱. با احداث حدوداً ۱۲۰ کیلومتر خطوط نفتی از بندر انزلی به سمت شمال حدود ۱۰۰۰۰۰ بشکه نفت را در روز می‌توان به پالایشگاه تبریز رساند. با مختصر تغییراتی که در این خطوط نفتی صورت می‌پذیرد می‌توان خطوط نفتی را گسترش داد در حدی که روزانه ۱۲۰،۰۰۰ بشکه نفت خام از نکا به تصفیه‌های تهران منتقل می‌شود. با توافقی که اخیراً بین قزاقستان و ایران منعقد شده ۴۰۰،۰۰۰ بشکه نفت در روز می‌توان از همین طریق لوله‌های نفتی مبادله کرد. حدود ۳۲۰،۰۰۰ بشکه نفت در روز می‌تواند به تبریز و تهران فرستاده شود. تصفیه‌خانه‌های تبریز و تهران مشابهاً همین مقدار را می‌توانند از بندر خارک در جنوب خلیج فارس بارگیری کنند. این پروژه‌ها حدوداً یک چیزی کمتر از ۱۵۰ میلیون دلار هزینه برمی‌دارد.

۲. از آنجایی که این پروژه تکمیل بشود و نفت از طریق خزر به تبریز از تصفیه‌خانه‌های تهران بیاید خطوط نفتی در جبهه جنوب که نفت را به تصفیه‌خانه‌ها می‌آورد خالی خواهد شد. با به‌کارگیری این ظرفیت و خطوط نفتی مقدار بیشتری نفت را می‌توان از خزر به تصفیه‌خانه اصفهان یعنی حدود ۲۲۳ هزار بشکه نفت در روز و اراک ۱۵۰ هزار بشکه نفت در روز انتقال داد. البته باید کارهای زیربنایی بیشتری انجام بشود و خطوط نفتی بیشتری هم باید ساخته شود.

در این رابطه هزینه این پروژه‌ها در حدود ۳۵۰ میلیون دلار است و این شبکه قادر است که ۷۰۰ هزار بشکه نفت در روز به خود جذب کند. و از طریق آسیای میانه به تصفیه‌خانه‌های ایران بیاورد. لازم به ذکر است که بسیاری از شرکتهای نفتی ایرانی در حال

حاضر قادر خواهند بود که بیشترین این کارها را به عهده بگیرند و قطعاً هزینه‌های این طرح از صورت دلار به ریال پول رایج ایران درمی‌آید. در این فاز سوم ظرفیت خطوط نفتی که به تصفیه‌خانه‌های تهران و اراک نفت خام را می‌آورند می‌توان گسترش داد. در این فاز صدها کیلومتر خطوط نفتی باید ساخته شود تا قابلیت بهره‌وری بیشتری داشته باشد. و این بستگی به میزان صادرات بیشتر دریای خزر دارد تا هزینه‌ها تا حدی جایگزین بشود. در این فاز سوم ایران، ترکمنستان می‌توانند یک معاهده مشترک با هم داشته باشند بر طبق آن یک تصفیه‌خانه در شمال تهران ساخته شود و متجاوز از صد هزار بشکه در روز از نفت ترکمنستان در آنجا تصفیه بشود و در منطقه شمال شرقی ایران مصرف بشود و همان مقدار نفت هم از طریق بندر خارک بابت ترکمنستان صادر بشود. امتیاز عمده‌ای که این تبادل نفتی دارد این است که کشورهای که در حوزه دریای خزر هستند می‌توانند نفت خام خودشان را بسرعت در زمانی نسبتاً کوتاه به بازارهای جهانی صادر کنند و همچنین از سرمایه‌گذاری‌های بسیار بخاطر خطوط نفتی که باید از کشورهای مختلف بگذرد پرهیز می‌شود.

لازم به ذکر است که این نوع مبادله نیازمند رضایت طرف سوم نیست و اگر ایران مصرف‌کننده نهایی باشد و خود نفت خام را از طریق خلیج فارس بدهد به تبع برای هر دو طرف ضمانتی به وجود می‌آورد. هم آنها نفت را به سهولت صادر می‌کنند و هم ایران به راحتی نفتش را صادر می‌کند. مضاف بر این باید در نظر گرفت این مسئله هزینه کمتری دارد و بیشترین برگشت پول را در ازای هر بشکه برای هر دو طرف نتیجه می‌دهد.

ملاحظه می‌شود که ساختارهای زیربنایی که باید ساخته و پرداخته شود از لحاظ هزینه‌ای خیلی کمتر برای طرفین درمی‌آید. در نهایت مسئله تبادل نفتی می‌تواند نفت دریای خزر را به بازارهای بسیار دور (خاور دور) برساند و به نظر می‌آید که یکی از مصرف‌کنندگان عمده طی ۱۰ سال آینده همین منطقه خاور دور است. یکی از راههای جایگزین، خلیج فارس و دریای خزر است. راه دیگر، دریای سیاه است که از طریق تنگه بسفر می‌گذرد. استفاده بسیار از این تنگه با مخالفت ترکیه مواجه شده، هم بخاطر محیط زیستی و هم به لحاظ مسائل ایمنی. خطوط لوله اگر بخواهد از طریق دریای سیاه و مدیترانه امتداد یابد با دولت‌های روسیه، عراق، سوریه، مصر، شمال آفریقا و دریای شمال در تعارض خواهد بود. در مورد پتانسیل‌های ایران برای همکاری‌های گازی با مناطق مرکزی و غربی آسیا، باید گفت بیشتر مطالعات نشان

داده است که در جهان به لحاظ تهیه و در مرحله تقاضای گاز طبیعی نشان می‌دهد که آسیای مرکزی و خاورمیانه نقش بسیار مهمی را در این مورد بازی می‌کنند. همچنین اقیانوس هند و نیز ترکیه و ارمنستان و گرجستان به لحاظ نزدیکی به اروپا دارای اهمیت است. این دو منطقه نقش مهمی از لحاظ مبادله نفتی و عرضه و تقاضای گاز دارد.

کشور صادرکننده نفت یک نوع همکاری بین آنها را تضمین می‌کند. (البته باید در نظر داشت در بلندمدت همکاری با کشور مصرف‌کننده هم حائز اهمیت است) ایران و ترکمنستان و قزاقستان می‌توانند مشارکت عمده‌ای در خصوص مسئله خطوط گازی و حمل گاز از طریق این سه کشور به منطقه و بازارهای جهانی داشته باشند. سایر کشورهای تولیدکننده گاز در حوزه خلیج فارس می‌توانند به این شبکه از طریق ایران متصل شوند. این مسئله از پیشرفت همزمان خطوط بزرگ گازی و طرح L.M.G برای یک بازار مشترک ممانعت می‌کند. امتیازاتی که همکاری در زمینه گاز بین کشورهای ایران و ترکمنستان و قزاقستان دربردارد از این قرار می‌باشند:

۱. همکاری پیشنهادشده می‌تواند یک شبکه را به وجود بیاورد که قرار است گاز را از منابع تولید مختلف بگیرد و به مصرف‌کنندگان یا چند مصرف‌کننده تحویل دهد. به این جهت این امر از خطر متکی بودن به یک تولیدکننده جلوگیری به عمل می‌آورد. یعنی مصرف‌کننده از تولیدکنندگان بیشتری می‌تواند گاز خود را بخرد.

۲. این وجه، از سرمایه‌گذاری‌های سنگین که هر کشوری باید برای احداث خطوط گازی خود اجاره بدهد ممانعت می‌نماید.

۳. به کارگیری این پروژه در راستای مسائل زیست‌محیطی همه کشورهای درگیر برای اینکه محیط زیست پاکتری داشته باشند و همچنین بتوانند آبها و جنگلها را حفظ کنند می‌باشد. بانک جهانی و سایر ارگانهای بین‌المللی از یک چنین طرح منطقی حمایت می‌کنند.

۴. مشارکت و همکاری گازی مابین کشورهای منطقه باعث رشد اقتصادی در منطقه می‌شود. این همکاری گازی وحدت اقتصادی را توسعه می‌دهد و باعث یک نوع خوداتکایی یا اتکا به یکدیگر در بین دول درگیر می‌گردد. این کشورها به یک شکلی محتاج به هم خواهند بود و خود این نیاز، نقش عمده‌ای را در صلح و ثبات در این منطقه خواهد داشت.

نقش ایران در شبکه گاز منطقه‌ای

ایران پس از روسیه بزرگترین منابع گازی را داراست. به علاوه نقش بی‌مانندی و شاید بتوان گفت نقش بی‌نظیر جغرافیایی ایران که دریای خزر را به خلیج فارس وصل می‌کند عامل بسیار مهمی باید تلقی شود.

باید در نظر داشت ایران مرزهای مشترکی با ترکیه و پاکستان دارد که هر دو کشور در سالهای آتی یکی از واردکنندگان بزرگ گاز خواهند بود. شبکه خطوط گازی ایران در حال حاضر از خلیج فارس در جنوب ایران به دریای خزر در شمال ایران گسترده است. در واقع می‌توان گفت خطوط نفتی موجود ایران گستره شرقی و غربی دارد. از سرخس در منطقه شرق که با ترکمنستان هم‌مرز است و در ارومیه در منطقه غربی ایران که هم‌جوار با ترکیه می‌باشد. این شبکه خطوط گازی در حدود ۴ هزار کیلومتر است که لوله‌های این خطوط در حدود ۲۰ الی ۵۶ سانتیمتر قطر دارد و متجاوز از ده‌هزار کیلومتر خطوط با فشار قوی است که ظرفیت آن متجاوز از ۶۰ بیلیون مترمکعب در سال است که برای مصرف داخلی و همچنین تحویل به مراکز نفتی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

شبکه گاز ایران در سال گذشته به ترکمنستان متصل شده و در حدود ۱/۵ میلیون مترمکعب از گاز ترکمنستان به ایران پمپ می‌شود. در زمستان امسال مقدار گاز (نسبت به سال ۱۹۹۸) به ۹ میلیون مترمکعب افزایش خواهد یافت. حجم گسترده‌ای از انتقال گاز بین ترکمنستان و ایران و ترکیه در حال مطالعه است که در نهایت ترکیه قادر خواهد بود در حدود ۳۰ میلیون مترمکعب گاز را از طریق ترکمنستان دریافت کند. قزاقستان می‌تواند به راحتی به این شبکه خطوط گازی با مختصری گسترش شبکه خطوط لوله متصل شود. قطر هم می‌تواند به شبکه خطوط گازی ایران متصل شود. با احداث کمتر از ۱۵۰ کیلومتر خطوط لوله گاز از شمال دوحه از میدانهای گازی دوحه به یکی از بنادر جنوب ایران قطر به خطوط نفتی ایران متصل خواهد شد. این حقیقت را باید در نظر گرفت که میدانهای گازی شمال دوحه در قطر و میدانهای گازی پارس در جنوب ایران می‌تواند بخشی از بزرگترین سواحل گازی را در جهان تشکیل دهد که بین دو کشور موجود هستند. همکاری در توسعه و بازاریابی گاز بین دو کشور بهره‌وری بیشتر از این میادین گازی را امکان‌پذیر و عملی می‌سازد. احتمال دارد با انعقاد قراردادی بین دو کشور و با ارسال گاز ایران و با صادرات گاز ایران از قطر و تحویل گاز از سوی

قطر به کشورهای L.M.G این مسئله انجام پذیر باشد. یعنی ایران در واقع نفت و گاز را صادر کند. قطر به L.M.G گاز داده و با ساختن خطوط گازی اضافی برای اجرای این شبکه ایران به ۴۰ درصد از منابع گازی جهان وصل خواهد شد.

طرح صلح

گسترش خطوط گازی از کشورهای آسیایی به اروپا. این طرح صلح به وسیله محققین دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی در سال ۱۹۹۴ پیشنهاد شد. هدف این پیشنهاد این بود که یک چنین همکاری‌ها بین کشورهای تولیدکننده و مصرف‌کننده گاز در منطقه ایجاد شود. همه کشورهای درگیر در مسئله انتقال گاز از این پیشنهاد بهره‌مند خواهند شد. همچنین از جنبه‌های اقتصادی - اجتماعی و از لحاظ صلح و ثبات که به وسیله این نوع همکاری‌ها به وجود می‌آید این کشورها سود می‌برند. قرارداد همکاری برای صادرات گاز به هندوستان، ترکیه نفع کشورهای دو منطقه را دربر دارد. اگرچه بعضی بر این باورند که ترکمنستان و احتمالاً قزاقستان و قطر بتوانند یک موافقتنامه مشترک را برای صادرات گاز به عهده بگیرند. پاکستان و هند به سوی برطرف شدن مشکلات اقتصادی، سیاسی پیش می‌روند. در واقع می‌توان گفت که یک موافقتنامه چندطرفه که تمام کشورهای درگیر بتوانند به شکلی درگیر این قرارداد شوند مورد نظر است. در حالی که کشوری که نگران و چشم به این مسئله دوخته هندوستان است. به علاوه باید در نظر داشت که مسئله مالی این پروژه یعنی تأمین آن نیز اهمیت دارد. مشارکت محلی برای این طرح که اساساً برای صادرات گاز منطقه اقیانوس هند می‌باشد از طریق ترکمنستان یا افغانستان با قطر یعنی خود دول منطقه‌ای بیشتر می‌باشد تا بعداً بخواهند این مسئله را در سطح بین‌المللی مطرح کنند. خطوط نفتی - گازی ترکمنستان می‌تواند از طریق پاکستان و زاهدان در ایران امتداد یابد. باید در نظر داشت که زاهدان منطقه‌ای هموار است و برای احداث خطوط لوله مناسب می‌باشد.

خطوط گاز در افغانستان. چون افغانستان بیشتر کوهستانی است و باید در نظر داشت که ایران در احداث خطوط لوله تجربه بیشتری از لحاظ ابزار و متخصصین دارد، ایران می‌تواند کارآمدتر باشد. ایران و ترکمنستان می‌توانند با هم موافقتنامه مشترکی در مورد ارسال گاز به پاکستان داشته باشند که قطعاً تا سال ۲۰۰۱ تقاضا افزایش روزافزونی خواهد داشت.

به علاوه امتیازات هر طرح در این است که ایران می تواند در قبال گازی که ترکمنستان می گیرد از طریق خلیج فارس و از طریق میادین گازی پارس در جنوب خلیج فارس گاز را به اروپا صادر کند. در حال حاضر، یک موافقتنامه مشترک بین دو کشور منعقد شده است. البته در این ارتباط با پروژه های کشورهای دیگر هم می توان همکاری نمود.

نکات زیر را باید برای اینکه طرحهای گوناگون خطوط لوله با موفقیت به انجام رساند مورد نظر قرار داد:

۱. کشورهای فوق الذکر باید در نظر داشته باشند هم در صحنه بین المللی و هم در صحنه منطقه ای کمپانی های نفتی و گازی و حتی بخشهای خصوصی را باید در این مسئله مشارکت دهند.

۲. متدهایی را باید ابتکار کنند که مسائل مالی و پولی را هم منابع و بازارهای بین المللی و داخلی به عهده بگیرند.

۳. کشورهای درگیر این همکاری ها باید در واقع (چند گروه را باید ترغیب کنند که در این پروژه ها سرمایه گذاری کنند) بانک جهانی، بانک توسعه اسلامی، بانک توسعه آسیایی را به کمک بطلبند و تکنیکهایی که تضمین دهنده مالی این مسائل هست را خودشان ابتکار کنند. همکاری با ایران و دولت های آسیای مرکزی در ارتباط با پروژه های نفتی و گازی منطقی ترین و اقتصادی ترین روش برای صادرات نفت و گاز از دریای خزر است. تبادل نفتی بین ایران و آذربایجان و ترکمنستان و قزاقستان با به کارگیری شبکه های خطوط موجود و به راه اندازی خطوط جدید می تواند سبب شود به راحتی حدود ۷۰۰ هزار بشکه نفت از این کشورها صادر کنند.

وضعیت ایده آل که نفت از کشورهای فوق الذکر برای مصرف تصفیه خانه های محلی ایران ارسال بشود و در مقابل ایران نفت خود را در خلیج فارس برای صادرات به آن کشورها اختصاص دهد.

این مسئله کشورهای تولیدکننده ترکمنستان، آذربایجان و قزاقستان را از اینکه پول خود را برای به کارگیری احداث خط لوله جدید مصرف کنند بر حذر می دارد و از لحاظ اقتصادی صرف بسیار زیادی در بر دارد چرا که در ضمن آنها نمی توانند احداث خطوط لوله را از نظر مالی تقبل کنند. تبادلهای نفتی با ایران شامل ۷۰۰ هزار بشکه نفت در روز از طریق

دریای خزر با سرمایه گذاری در حدود ۵۰۰ میلیون دلار که نصف آن به ریال است می باشد. حتی با احداث خطوط نفتی از حوزه کشورهای خلیج فارس با دریای عمان، اگر نفت از طریق دریای عمان و خلیج فارس صادر شود به مراتب از لحاظ اقتصادی صرف بیشتری دارد. چه اینکه بخواهند خطوط را احداث بنمایند. همچنین اخیراً مطالعاتی به طور عملی در جریان است که این خطوط را بتوانند احداث کنند. کشورهای حوزه دریای خزر بدون شک بهای بسیار سنگینی را می پردازند. بخاطر اینکه آمریکا بیشتر در صدد این است که از مشارکت و همکاری ایران جلوگیری به عمل آورد مبادلات گازی بین ایران، ترکمنستان و قزاقستان سودمند خواهد بود. حتی اگر محافظه کارانه هم بخواهیم تخمین بزنیم تقاضای گاز در منطقه پاکستان و هندوستان بین ۴۰ تا ۷۰ میلیون مترمکعب در سال ۲۰۱۰ خواهد بود. این تقاضا نشان می دهد که هرچه به سمت جلو برویم تقاضا بیشتر می شود. تقاضا برای گاز طبیعی در منطقه ارمنستان، ترکیه و گرجستان در سال ۲۰۱۰ در حدود ۳۰ تا ۴۰ میلیون مترمکعب در سال خواهد بود؛ به علاوه ۱۰ میلیون مترمکعب در مناطق مرکزی و جنوب اروپا در سال ۲۰۱۰ مورد مصرف است. کشورهای صادرکننده گاز در این منطقه باید هدف عمده شان این باشد بازارهای بسیار بالای مصرف را به دست آورند. که این بازارها سریع ترین و آسان ترین بازارهای مصرف هستند و راههایی را به دست آورند که سریع ترین خطوط ارسال گاز به این نقاط باشند. سایر کشورهای صادرکننده گاز در منطقه باید در نهایت به ایران و ترکمنستان بپیوندند تا گازشان را ارسال کنند؛ پاکستان و هندوستان در شرق و ترکیه و ارمنستان و گرجستان و اروپا در غرب برای انجام این مهم مسائلی بین کشورهای درگیر این مسئله است، بخصوص ایران که هسته مرکزی این پروژه قرار گرفته و باید تلاشهای جدی برای رفع مشکلات بنماید. موضوع فوق مستلزم قانونگزاری جدیدی در جهت تشویق مشارکت ایشان در پروژه ها می باشد. ضمناً، دولتها نیز باید سیاستی هماهنگ و مشترک اتخاذ کنند تا کلیه اجزای داخلی آن نظامها متوجه اهمیت همکاری اجرای این طرحها گردد. نهایتاً، دولتها لازم است رویکردی همگانی و یکسان نسبت به مؤسسات مالی بین المللی داشته باشند تا بدین وسیله پشتیبانی آنها را از طرحهای مذکور به دست آورند. اگر کارها به ترتیب پیش بینی شده ادامه یابند احتمال اینکه طرح دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی در مورد احداث «خط لوله کشورهای آسیایی به اروپا» به اجرا درآید زیاد است.